

نیچہ

قدم اول

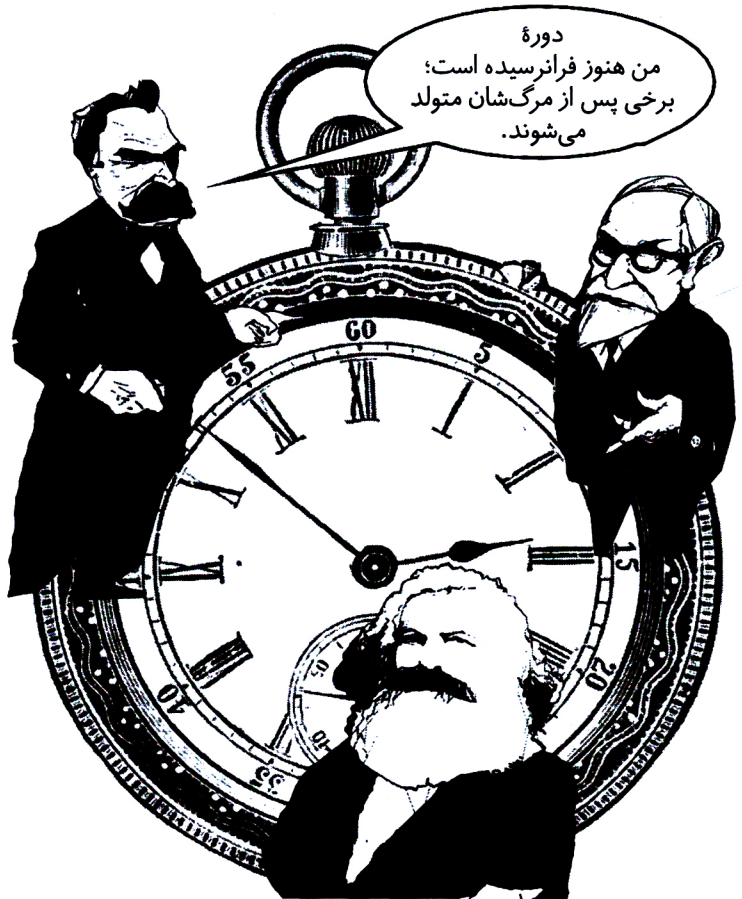
نویسنده: لارنس گین

طراح: پی پرو

مترجم: ابراهیم اسکافی



در صف مقدم جماعت روشنفکران قرن نوزدهم، این چهره‌ها ایستاده‌اند: کارل مارکس (۱۸۱۸-۸۳)، زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) و فردریش نیچه (۱۹۰۰-۱۸۴۴). نقد مارکس بر نظام اجتماعی-سیاسی و تحلیل فروید بر زندگی روانی-جنسی تا اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به خوبی جاافتادند. اما نگرش‌های نیچه در افقی دور از دسترس آگاهی مدرن باقی ماندند: چالشی آزاردهنده و حتی هولناک که او خود می‌دانست که در طول حیاتش مورد اقبال قرار نخواهد گرفت. «کتابی را تصور کنید که از هیچ چیزی سخن نمی‌گوید، مگر رویدادهایی که خارج از امکان وقوع تجربیات معمول و حتی نادر قرار دارند- نخستین زبان برای گستره‌ای تازه از تجربیات. در چنین مواردی، هیچ چیزی شنیده نخواهد شد!»



امروز، پس از بیش از صد سال، ما به تدریج از تغییراتی عمیق در نسبت‌مان با حقیقت، علم و اخلاق باخبر می‌شویم که نیچه قبلاً پیش‌بینی کرده بود.

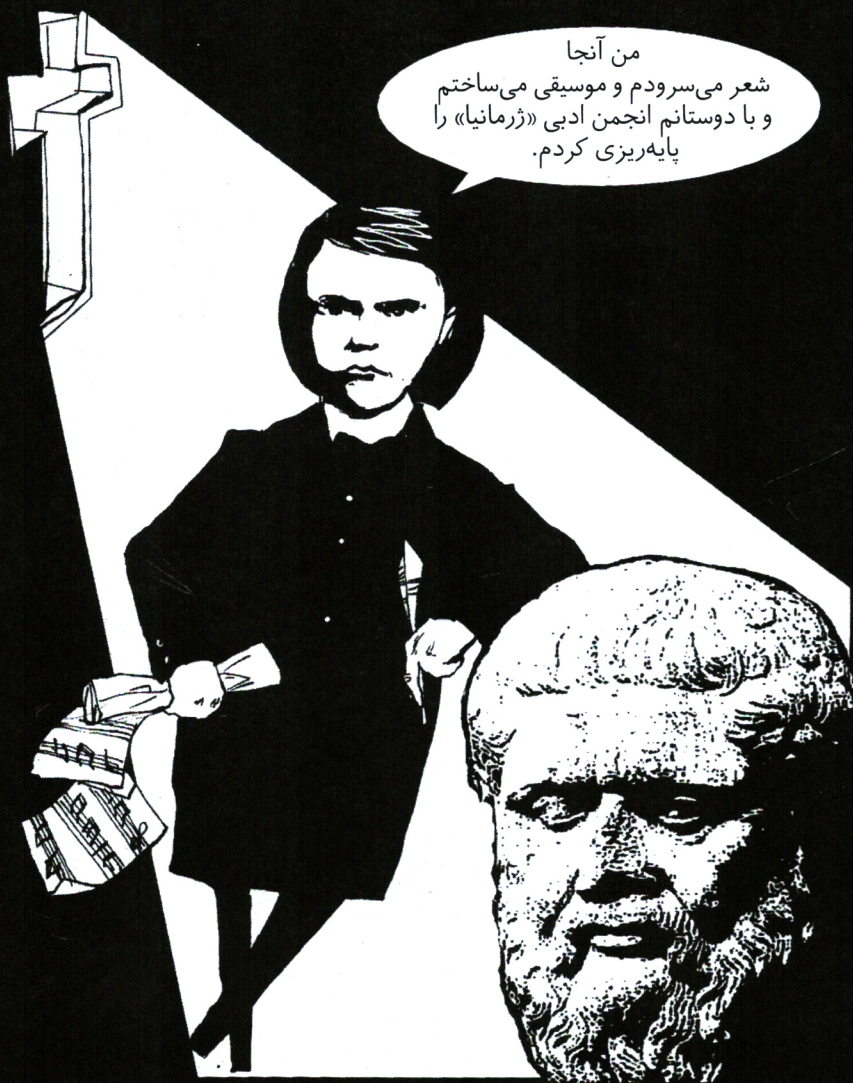
دوران کودکی

در ۱۵ اکتبر ۱۸۴۴ در دهکده روکن، واقع در ایالت زاکسون آلمان، کشیشی لوتری از موهبت نخستین فرزندش، فردریش ویلهلم نیچه، برخوردار شد. خانواده او مفتخر به نیای اشرافی لهستانی، نسل اندر نسل، روحانیون زیادی به جامعه تحویل داده بودند.



پدر نیچه پس از سقوط، بر اثر ضربه مغزی، زمانی که این پسر هنوز پنج سال بیشتر نداشت، جان خود را از دست داد. خانواده‌اش یک سال بعد به ناومبورگ نقل مکان کردند. این پسر کوچک درون‌گرا و عاشق شعر و موسیقی بود. در مدرسه او را «جوجه کشیش» صدا می‌زدند و در خانه با مادر، خواهر و مادر بزرگ و دو خاله‌اش زندگی می‌کرد. آنطور که خواهیم دید معاشرت با زنان، تجربه‌ای سازنده برایش بوده است!

نیچه در سال ۱۸۵۸ در سن ۱۴ سالگی بورس تحصیلی در مدرسه مشهور پفورتا، در نزدیکی نامبورگ دریافت کرد، مدرسه‌ای شبانه‌روزی با تعصب لوتی که از حیث اعتبار دانشگاهی، جایگاه والایی داشت و در آنجا او عاشق مطالعات کلاسیک شد. در زبان یونانی و لاتین تبحر زیادی پیدا کرد و تمام وقت خودش را وقف مطالعه آثار افلاطون و آیسخولوس کرد.



من آنجا

شعر می‌سرودم و موسیقی می‌ساختم
و با دوستانم انجمن ادبی «ژرمانیا» را
پایه‌ریزی کردم.

وقتی که در سال ۱۸۶۴ پفورتا را ترک کرد، هنوز آثار تغییر در تفکرات او دیده نمی‌شد: او از استادانش تشکر کرد و ابراز داشت که خودش را مدیون الطاف «خداوند و پادشاه» می‌داند.